

Abdolhossein Dehdashti and the South Oil Company: (Dispute on Larestan Landslide Lands (1922-1928))

Nematollah Zakipour¹ | Ahmad Lobatfard² | Keshvad Siahpour³

Abstract:

Purpose: The present study reports the dispute between Abdolhossein Dehdashti, a prominent Iranian scholar and merchant and the Anglo-Persian Oil Company regarding the ownership of the Larestan bitumen land in Shoshtar between 1922-1928. The paper reports the efforts of the both parties to prove their rightful ownership of the land.

Method and Research Design: This research is based on archival documents library resources.

Findings and Conclusion: The D'Arcy contract and the South Oil Company with the Bakhtiari people led to the disregard of the ownership of Sadat Qahiri, a resident of Shoshtar, Khuzistan, on the Larestan bitumen lands. Although the land was initially leased to the South Oil Company, its economic importance led the South Oil Company to claim ownership of the land and disregard Sadat Qahiri's right of ownership. By choosing Abdolhossein Dehdashti as their lawyer, Sadat Qahiri succeeded in proving his ownership of the mentioned lands and undermining the economic-political interests of the Southern Oil Company. In addition, based on the proposal and follow-up of Sadat Qahiri's lawyer, "Oil Management and Auditing" was formed in Khuzistan, as a result of which the profiteering of courtiers and influential people from oil resources was stopped and limited.

Keywords: Sadat Qahiri; Laristan Bitumen Lands; Abdolhossein Dehdashti; South Oil Company (Iran-British Oil Company).

Citation: Zakipour, N., Lobatfard, A., Siahpour, K. (2020). Abdolhossein Dehdashti and the South Oil Company Dispute on Larestan Landslide Lands (1922-1928). *Ganjine-ye Asnad*, 30(4), 6-32. doi: 10.22034/ganj.2020.2606

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of History, Yasuj University, Yasuj, I. R. Iran
nematzakipour@yahoo.com

2. PhD, Department of History, Yasuj University, Yasuj, I. R. Iran
(Corresponding Author)
alobatfard@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History, Yasuj University, Yasuj, I. R. Iran
ksiahpour@yahoo.com

Copyright © 2021, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«120»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.22034/GANJ.2020.2606

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 4, Winter 2021 | pp: 6 - 32 (27) | Received: 13, Dec. 2018 | Accepted: 16, Feb. 2020

Historical research



بررسی مناقشات عبدالحسین دهدشتی و کمپانی نفت جنوب (مطالعه موردی؛ اراضی قیر لارستان ۱۳۰۱-۱۳۰۷ ش)

نعمت‌الله زکی‌پور^۱ | احمد لعبت‌فرد^۲ | کشواد سیاهپور^۳



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

چکیده:

هدف: اختلافات عبدالحسین دهدشتی از علما و تجار مشهور با کمپانی نفت جنوب، بر سر مالکیت اراضی قیر لارستان واقع در شوشتر، و اقدامات دو طرف برای اثبات حقانیت و مالکیت خویش بر اراضی مذکور، و پیشنهادها و راهکارهای دهدشتی برای جلوگیری از سوءاستفاده کمپانی از منافع نفتی در فاصله سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۷ ش است.

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از اسناد آرشیوی و مدارک تاریخی گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: انعقاد قرارداد داری و کمپانی نفت جنوب با بختیاری‌ها منجر به نادیده گرفتن حق مالکیت سادات قیری مسکون در شوشتر خوزستان بر اراضی قیر لارستان گردید. اگرچه، این اراضی ابتدا به شکل اجاره ای به کمپانی نفت جنوب واگذار شده بود، اما اهمیت اقتصادی آن سبب گردید تا کمپانی نفت جنوب مدعی مالکیت بر اراضی مزبور شود و حق تملک سادات قیری را نادیده بگیرد. سادات قیری با انتخاب عبدالحسین دهدشتی به عنوان وکیل خویش، موفق شدند ضمن اثبات مالکیت خود بر اراضی مذکور، منافع اقتصادی - سیاسی کمپانی نفت جنوب را متزلزل و مخدوش کنند. به علاوه، بر مبنای پیشنهاد و پیگیری وکیل سادات قیری «مدیریت اداری و حسابرسی نفت» در خوزستان تشکیل گردید، که به تبع آن سودجویی‌های درباریان و افراد متنفذ، از منابع نفت، متوقف و محدود گردید.

کلیدواژه‌ها: سادات قیری؛ اراضی قیر لارستان؛ عبدالحسین دهدشتی؛ کمپانی نفت جنوب (شرکت نفت ایران و انگلیس).

استناد: زکی‌پور، نعمت‌الله، لعبت‌فرد، احمد، سیاهپور، کشواد. (۱۳۹۹). بررسی مناقشات عبدالحسین دهدشتی و کمپانی نفت جنوب (مطالعه موردی؛ اراضی قیر لارستان ۱۳۰۷-۱۳۰۱ ش). گنجینه اسناد، ۳۰(۴)، ۳۲-۶. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۶۰۶

۱. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه یاسوج.

یاسوج، ایران

nematzakipoor@yahoo.com

۲. دکتری تاریخ و مدرس گروه تاریخ، دانشگاه

یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

alobafard@gmail.com

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه یاسوج،

یاسوج، ایران

ksiahpour@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۲۰»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰.۲۶۰۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۹ | صص: ۶-۳۲ (۲۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

با انعقاد قرارداد داری و واگذاری بخش عمده‌ای از سرزمین ایران، فعالیت‌های مستمر انگلیسی‌ها برای حفاری و اکتشاف نفت آغاز شد. هم‌زمان با شروع فعالیت‌های حفاری و بهره‌برداری، وضعیت سیاسی خاصی بر ایران حکمفرما بود. داری به دنبال بهره‌برداری از مناطق مستعد نفتی ذیل قرارداد با دولت ایران، نمایندگانی را برای اکتشاف و تحقیق به مناطق مختلف گسیل کرد و سرانجام در منطقه مسجد سلیمان موفق به کشف نفت شد. به دنبال آن، در صفحات جنوبی ایران، خاصه در خوزستان و حوزه‌های نفتی آن، چون هفتکل (۱۳۰۶)، آغاجری (آغاجاری) (۱۳۱۵)، بینک (۱۳۲۸)، اهواز (۱۳۳۷)، بی‌بی حکیمه (۱۳۴۰)، مارون و کرنج (۱۳۴۲)، و پارسی و رگ سفید (۱۳۴۳) کشف و بهره‌برداری از نفت انجام شد (خدادادیان، ۱۳۸۹، صص ۳۵ و ۳۶). از همان ابتدا به چشمه‌گیری و اراضی لارستان در منطقه شوشتر توجه شد. به موجب قرارداد داری تلاش برای مالکیت و بهره‌برداری از نفت منطقه مذکور در رأس برنامه‌های کمپانی قرار داشت. مبحث کلیدی پژوهش حاضر، موضوع مالکیت چشمه‌نفتی و اراضی قیر لارستان در شوشتر خوزستان است. طبق اسناد و مدارک تاریخی، سادات قیری مسکون در شوشتر مالکان اصلی چشمه‌نفتی و اراضی لارستان بودند. آن‌ها قرارداد دولت مرکزی با داری را نقض مالکیت خود می‌دانستند. باین حال، سادات مزبور، سرانجام مجبور شدند این اراضی را به صورت اجاره به کمپانی نفت جنوب واگذار کنند؛ ولی کمپانی نفت بعد از مدتی با تغییر رویه، مالکیت سادات را نادیده گرفت و اراضی را تصاحب کرد. سادات قیری برای احقاق حقوق خویش و خلع ید کمپانی نفت جنوب، نیمی از اراضی مزبور را به عبدالحسین ده‌دستی واگذار کردند و او را به وکالت خویش برگزیدند. به تبع این اقدام، ده‌دستی به طور جدی به عرصه اختلاف و منازعه با کمپانی نفت جنوب وارد شد و به تنهایی در برابر کمپانی نفت جنوب ایستاد و با شکوایه‌های متعدد تلاش کرد کمپانی نفت جنوب را از صحنه خارج کند و حق مالکیت سادات قیری را اثبات کند.

هدف پژوهش حاضر واکاوی اختلافات عبدالحسین ده‌دستی و کمپانی نفت جنوب است که از نظر شناخت وضعیت سیاسی-اقتصادی ایران و نفوذ کمپانی نفت جنوب و حضور بریتانیا در ایران در دوره مدنظر، اهمیت زیادی دارد. از آنجاکه بخش عمده‌ای از اسناد موجود تاکنون منتشر نشده است، استفاده از این اسناد می‌تواند اطلاعاتی مفید و تازه درباره کمپانی نفت جنوب و فعالیت‌های اقتصادی آن در ایران ارائه کند.



پرسش‌های پژوهش

۱. پرسش اصلی: اختلافات عبدالحسین دهدشتی و کمپانی نفت جنوب بر سر چه موضوعاتی بود؟
پرسش‌های فرعی:
۲. اقدامات عبدالحسین دهدشتی و کمپانی نفت جنوب برای اثبات حقانیت و مالکیت بر اراضی قیر لارستان چه بودند؟
۳. پیشنهادها و راهکارهای عبدالحسین دهدشتی برای جلوگیری از سودجویی کمپانی از منافع نفتی چه بود؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. فرضیه اصلی: مالکیت بر اراضی قیر لارستان مهم‌ترین دلیل اختلاف دو طرف بوده است. فرضیه‌های فرعی:
۲. دهدشتی به دنبال شفاف‌سازی و پیگیری پرونده در مراجع قانونی بوده، ولی کمپانی نفت جنوب با اعمال نفوذ و جلوگیری از ارسال پرونده به مرکز به دنبال خاتمه پرونده بوده است.
۳. تشکیل تلگراف‌خانه، حسابرسی در مسائل مالی کمپانی، به کارگیری افراد کاردان و استفاده نکردن از شخصیت‌های سیاسی و نظامی مهم‌ترین پیشنهادهای عبدالحسین دهدشتی بوده است.
در زمینه بررسی و تحلیل اختلافات عبدالحسین دهدشتی و کمپانی نفت جنوب بر سر اراضی قیر لارستان، تاکنون پژوهشی انجام نشده است. تحقیق حاضر با استناد به اسناد آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، و همچنین منابع تاریخی پژوهشی نوین محسوب می‌شود.

۲. مالکیت اراضی قیر لارستان براساس مدارک تاریخی

اراضی معروف به قیر لارستان واقع در شوشتر از منابع عمده نفت مسجدسلیمان بود که حدود سه فرسخ عرض و یک فرسخ طول داشت (کمام، ۹۱۸۰، ص ۲). این اراضی دارای چشمه‌های طبیعی قیر و نفت متعددی بود که ساکنان و تجار محلی به تجارت قیر و نفت حاصل از آن می‌پرداختند. بر پایه اسناد و مدارک تاریخی موجود، مالکیت اراضی به سادات قیری تعلق داشت. سادات قیری از سادات شوشتر خوزستان بودند که نسبشان بنابه برخی روایات، به امام موسی کاظم (ع) می‌رسید و چندین قرن در این منطقه سکونت داشتند



(مشعل، شماره ۷۷۲، ۱۰ بهمن ۱۳۹۴، ص ۳۷). آن‌ها، قبل از کشف اولین چاه نفت در ایران، این ماده سیاه‌رنگ را شناخته بودند و عمدتاً از آن برای مصارف دارویی یا به‌عنوان ملامط برای آب‌بندی ساختمان‌ها استفاده می‌کردند. سادات با بهره‌گیری از ابزارهای ساده، از چشمه‌های طبیعی نفت بهره‌برداری می‌کردند و قیر و نفت آن را در مناطق اطراف شوشتر، دزفول و مسجدسلیمان و بعضاً تا نواحی مرکزی و جنوب می‌فروختند (ابطحی فروشانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱). شه‌نواز در این زمینه آورده‌است: شوشتر یکی از مناطق مهم خوزستان بود که دارای معادن نمک و چاه‌های متعدد نفت -خاصه در مسیر رامهرمز- بود. مالکیت این چاه‌ها به شوشتری‌ها تعلق داشت و نفت آن به نواحی مجاور و حتی اصفهان صادر می‌شد (shahnavaaz, 2005, p49).

مؤلف تذکره شوشتر مالکیت سادات بر این اراضی را تأیید و تأکید کرده‌است که: «هفت صد سال این اراضی نسل بعد از نسل در تصرف سادات بوده‌است. چشمه قیر لارستان که در آن محل واقع است از قدیم از متعلقات آن سرکار است و در رقم امضای شاه طهماسب ماضی مورخ به سال نهصد و پنجاه و دو که به اسم سیدمحمد تلغری صدور یافته و در آنجا میراسدالله تصحیح نسب ایشان نموده‌است، چشمه قیر لارستان من جمله موقوفات معدود شده و اینکه الحال مستمر شده که تیول‌داران همه‌ساله وجهی از آنجا باز یافت می‌نمایند از جمله بدع^۱ حادثه است و در پروانچه قدیم به اسم سیدعزالدین و سیدشهاب‌الدین احمد که الی الآن باقی است مورخ به سال هفت صد و بیست و شش عصارخانه و بساتین و قری و مزارع بسیار تفضیل یافته که الحال اکثر آن‌ها معدوم و به هیچ وجه حقیقت آن‌ها معلوم نیست» (جزایری، ۱۳۴۸، ص ۴۰).

چشمه قیری یا چشمه نفتی در همان عصر قاجار مشهور بوده و مورد توجه نویسندگان داخلی و خارجی واقع شده‌است. «چشمه قیری از ناحیه حومه بهبهان بلوک کوه‌گیلویه از نزدیکی قریه کیکاوس برخاسته، چندین سنگ آسیاب گردان آب ناگوار شیرین دارد و نزدیک به دو قامت گودی آن است و در سال چندین خروار قیر از پایان این چشمه درآوردند که مردی زورمند با منتیلی^۲ گران غوص کرده، منتیل را به‌سختی بر تخته قیر که در پایان چشمه است زده، در هر غوصی نزدیک به باری قیر شکسته بر روی آب آید» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۵۹۶). سیاح بریتانیایی هنری اوستین لایارد هنگام مسافرت به خوزستان در ۱۲۵۷ق/۱۸۴۱م/۱۲۲۰ش به چشمه نفتی در شرق خوزستان اشاره می‌کند که از آن مایه‌ای تیره‌رنگ خارج می‌شده و برای درمان کوفتگی شدید و درد مفاصل استفاده می‌شده‌است (لایارد، ۱۳۶۷، ص ۱۸۶). علوی نیز به نقل از یادداشت‌های لغتوس که در سال ۱۲۷۲ق/۱۸۵۵م/۱۲۳۴ش از حوضچه‌های قیر بازدید کرده و ماده آن را به‌دقت آزمایش و

۱. جمع بدعت

۲. منتیل: دبلم در لهجه کازرونی



بررسی کرده، آورده است: «حوضچه‌های مزبور در مناطق لم‌پزرع و شوره‌زار و در پشته‌های پیچیده و مرتفع و در مجاورت سنگ‌های سیاه و آهکی و گچی قرار دارد و روش ابتدایی استخراج قیر معدنی در مالکیت خانواده‌ای مذهبی به نام سادات قیری از اعقاب پیامبر اسلام قرار داشت» (یادداشت‌های لفتوس به نقل از: علوی، ۱۹۷۲، صص ۷۶۵-۷۶۷). یکی از تاریخ‌نویسان محلی خوزستان معتقد است: «پیش از ورود اروپاییان در این منطقه خانواده‌ای موسوم به سادات قیری، نفت را با اصول اولیه استخراج می‌کردند و نفت سفید و... را در بازارهای تهران، اصفهان و شوشتر جهت بازسازی بقعه هفت شهیدان می‌فروختند و در آن زمان نیز که نفت سفید چشمه‌های مسجد سلیمان که به صورت بدوی استخراج می‌گردید و تصفیه نیز نشده بود، رقابت شدیدی در تهران و نقاط شمالی ایران با روغن چاه‌های نفت بادکوبه می‌نمود» (عباسی شهنی، ۱۳۷۴، ص ۵۴). از سوی روحانیون نجف از جمله ملا محمد کاظم خراسانی^۱، سید کاظم یزدی^۲، شیخ عبدالله مازندرانی^۳، شریعت اصفهانی^۴، و صدر اصفهانی و تمام علمای خوزستان از متقدمین و متأخرین، به اسناد مالکیت سادات قیری بر اراضی مذکور حکم قطعی داده‌اند و به صراحت متذکر شده‌اند: «بر اولیای امور واجب و لازم است ید غاصبین را از سادات کوتاه فرمایند» (کمام، ۹۱۸۰، ص ۴). کارگزاران خوزستان از جمله فخرالملک و حشمت‌السلطنه نیز در اسناد و مدارک متعدد بر مالکیت سادات تصدیق کرده‌اند (کمام، ۹۱۸۰، صص ۴-۵). بر پایه اسناد و مدارک فوق مالکیت اراضی و حق انحصاری استخراج قیرهای موجود در اراضی قیر لارستان شوشتر تا قبل از انعقاد قرارداد داری در اختیار سادات قیری قرار داشته است.

۳. کمپانی نفت جنوب و فعالیت آن

با انعقاد قرارداد داری (امتیازنامه موم و نفت طبیعی معدنی) در ۹ صفر ۱۳۱۹ ق/ ۲۸ می ۱۹۰۱ م/ ۷ خرداد ۱۲۸۰ ش بین دولت ایران و ویلیام ناکس داریسی، فصلی جدید در مالکیت سادات بر اراضی قیر لارستان آغاز شد (متن امتیازنامه موم و نفت طبیعی معدنی، بی تا، صص ۵-۹). طبق امتیازنامه داریسی، صاحب امتیاز با پرداخت ۱۶ درصد سود خالص به مدت شصت سال به کشف، بهره‌برداری و صدور نفت از ایران مجاز می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۹۳؛ آوری، ۱۳۸۸، ص ۱۹۳). در فصل هشتم امتیازنامه آمده بود: «صاحب امتیازنامه مکلف است بدون تعلل و تأخیر به خرج خود یک یا چند نفر از اهل خیره به ایران به جهت تفتیش صفحاتی که صاحب امتیاز احتمال وجود معادن مزبوره را در آنها می‌برد بفرستد و در صورتی که راپورت‌های آن اشخاص خیره به عقیده صاحب امتیاز کافی باشد، صاحب امتیاز مکلف است بدون تأخیر و به خرج خود اجزای علمی لازمه با اسباب و آلات و ادوات استخراج به جهت

۱. ملا محمد کاظم خراسانی مشهور به آخوند خراسانی، مشروطه‌خواه و صاحب کفایه (کفایة‌الاصول)، فقیه، سیاست‌مدار و مرجع تقلید عصر خویش بود.

۲. سید کاظم طباطبایی یزدی (۱۲۴۷-۱۳۳۷ ق) مشهور به «صاحب عروه» یکی از فقیهان بزرگ و نامدار قرن چهاردهم قمری بود.

۳. ملا عبدالله لنگرودی گیلانی مازندرانی درگذشته به سال ۱۳۳۰ قمری، از شاگردان میرزای رشتی بود.

۴. حاج فتح‌الله معروف به آقا شریعت (۱۲۶۶-۱۳۳۹ ق) یکی از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود.



تعمیق و کندن چاه‌ها و امتحانات لازمه بفرستند» (متن امتیازنامه موم و نفت طبیعی معدنی، بی‌تا، ص ۷).

سندیکای نفتی داری برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ م به‌عنوان شرکتی کارآفرین شروع به کار کرد. این شرکت در ماه می ۱۹۰۸ عملیات حفاری و کاوش در میدان نفتی شوشتر را شروع کرد. شرکت در ماه می بعدی به لندن نقل مکان کرد و در آن برهه شامل دو شرکت تابعه بود که از این به بعد در این گزارش به نام شرکت نفتی انگلیسی-ایرانی از آن‌ها یاد خواهد شد (Iran Political Diaries 1881-1965, 1997, v6, p384).

داری باتوجه به بند فوق قرارداد (فصل هشت) از رینولدز به‌عنوان کارشناس برای همکاری دعوت کرد. رینولدز در اواخر ۱۹۰۳ م/۱۲۸۲ ش/۱۳۲۱ ق از سرزمین بختیاری دیدن کرد و در ۱۳۲۲ ق/۱۹۰۴ م به منطقه شوشتر وارد شد (ابطحی فروشانی، ۱۳۸۴، ص ۴۱). فصل چهار قرارداد داری بر دایر بودن معدن نفت شوشتر و اخذ مبلغ دیوانی دو هزار تومان از این معادن اشاره داشت؛ بنابراین، منطقه مذکور در کانون توجهات رینولدز قرار گرفت. رینولدز با ارائه نسخه‌ای از قرارداد داری به خوانین بختیاری - که حاکمان منطقه بودند - برای شروع فعالیت اکتشافی در منطقه همکاری و تأمین امنیت را خواستار شد. خوانین که خود را حاکمان منطقه می‌دانستند با درخواست او مخالفت کردند و سهمی متناسب از قرارداد را خواستار شدند (یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۶۷۴). رینولدز با فرستادن نامه‌ای در ۲۸ آوریل ۱۹۰۴ / ۱۲ صفر ۱۳۲۲ ق / ۸ اردیبهشت ۱۲۸۳ ش به وزارت امور خارجه، آن‌ها را در جریان امور گذاشت و مراتب را گزارش داد (ابطحی فروشانی، ۱۳۸۴، ص ۵۱). در فوریه ۱۹۰۵ م موضوع اعطای زمین هم‌سو با توافق‌نامه ۱۹۰۵ بین نماینده خان‌ها و آقای رینولدز - مدیر ارشد شرکت - و بعدها بین ایلخانی‌ها و ایل بیگی‌ها به بحث گذاشته شد (Iran Political Diaries 1881-1965, 1997, v3, p451).

مالکان امتیاز از یک‌سو برای تسهیل در اجرای قرارداد و از سوی دیگر برای گسترش نفوذ در خوزستان به‌ویژه حفظ امنیت، به دوستی و همکاری با خوانین بختیاری نیاز مبرم داشتند؛ بنابراین، در ۱۷ رمضان ۱۳۲۳ ق/۱۵ نوامبر ۱۹۰۵ بین ویلیام ناکس داری و شرکای کمپانی و خوانین عظام بختیاری قراردادی در شش فصل منعقد شد (ساکما، ۲۴۰/۲۲۳۶۴، صص ۳-۴). فصول این قرارداد بر واگذاری زمین، حفاظت از تأسیسات نفتی، و شرح وظایف صاحب‌امتیاز و خوانین در قبال یکدیگر تأکید داشت (ابطحی فروشانی، ۱۳۸۴، ص ۵۱)؛ ولی مالکان اصلی اراضی (سادات قیری) به واگذاری معدن معترض بودند و با این استدلال که مالکیت معدن و اراضی اطراف آن به آن‌ها تعلق دارد و آن‌ها سال‌ها از معدن نفت بهره‌برداری می‌کرده‌اند، اجازه فعالیت به کمپانی ندادند. با میانجیگری دولت ایران و



کنسول انگلیس و مجتهد شوشتر در ۲۳ شعبان ۱۳۲۵ ق / ۱ اکتبر ۱۹۰۷ / ۸ مهر ۱۲۸۶ ش قرارداد اجاره‌ای با ۸ شرط (بند) بین شرکت داری و نماینده سادات قیری (لطف‌الله فرزند آقا کریم قیری و آقا آقایی فرزند آقا محمد شریف قیری به نیابت از مالکان چشمه) منعقد شد (اقتصاد انرژی، شماره ۹۳، تیر ۱۳۸۶، ص ۳۳). قرارداد، در هشت بند به قرار زیر تنظیم شده بود:

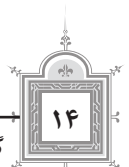
بند اول این قرارداد از فصل ۱۳ قرارداد داری اخذ شده بود و در آن تصریح شده بود: «مستر جی. پی. رینلدسن وکیل داری، به نیابت از او متعهد می‌گردد که در ارتباط با موضوع قرارداد، در ماه اکتبر هر سال مقدار یک هزار و پانصد من شوشتر نفت و مقدار یک هزار و پانصد من شوشتر قیر به نمایندگان سادات قیری تحویل داده و نفت و قیر استخراج شده خود را به هیچ وجه در شوشتر و دزفول نفروشد» (اقتصاد انرژی، شماره ۹۳، تیر ۱۳۸۶، ص ۳۳). در بند دوم، علاوه بر نفت و قیر، نمایندگان داری موظف بودند سالانه ۱۵۰۰ تومان وجه نقد و دو یست و پنجاه بار الاغ قیر طبیعی بدون قیمت (بدون دریافت هزینه) به سادات بپردازند. بر پایه گزارش شماره ۹۱۸۰ مورخ ۱۳۰۶/۳۱/۱۳۰۶ درباره مالکیت اراضی قیر لارستان شوشتر و نحوه اجاره این اراضی توسط کمپانی نفت جنوب از سادات قیری، آمده است: «اراضی فوق را کمپانی داری از سادات قیری اجاره می‌نمایند مدت شصت سال سالی هزار و پانصد تومان مبلغ، هر ساله دو هزار من نفت سبک شوشتر کمپانی به سادات بدهد و هر تعداد نفت که سادات به جهت قیر عمل آوردن بخواهند کمپانی بدهد و کمپانی حق فروش نفت در شوشتر و دزفول نداشته باشد» (کمام، ۹۱۸۰، ص ۱).

بر اساس بند پنجم قرار شد که دیگر هیچ اشکالی، نه شرعی و نه عرفی، نه عرض و نه اسباب دردسری در میان نیاید (اقتصاد انرژی، شماره ۹۳، تیر ۱۳۸۶، ص ۳۳). در بند ششم مقرر شد، منافع قرارداد به نماینده و یا رئیس خاندان سادات قیری که زیر قرارداد را امضاء کرده است، تحویل داده شود و رسید به مهر و امضای او برسد. در بند هفتم تأکید شد: «این مقاوله نامه جاری خواهد ماند تا زمانی که قرارداد داری به پایان برسد» (کمام، ۹۱۸۰، ص ۱). در بند هشتم مقرر شد که رأس هر سه سال داری می‌تواند این قرارداد را فسخ کند و استفاده از نفت را در اختیار سادات قیری قرار دهد و ادعایی نداشته باشد؛ یعنی اگر قرارداد تمدید نشود، قرارداد لغو خواهد شود. این قرارداد در پایان، اثر هفت مهر و امضا از مجتهدان شوشتر و کنسولگری انگلیس در اهواز را داراست (کمام، ۹۱۸۰، ص ۱). در بحبوحه فعالیت‌های حفاری، اکتشاف و بهره‌برداری از نفت در خوزستان، تحولات سیاسی-اجتماعی مهمی در ایران به وقوع پیوست؛ از جمله در نتیجه نقش بختیاری‌ها در فتح تهران نفوذ خوانین و رؤسای ایل بختیاری در مرکز و ساختار سیاسی و اداری ایران افزایش یافت. کشف نفت، قدرت خوانین بختیاری را در صفحات مرکزی و جنوبی به‌ویژه

خوزستان و کهگیلویه افزایش داد. مالکان امتیاز نفتی برای پیشبرد اجرای قرارداد و حفظ امنیت منطقه به خوانین بختیاری نیاز مبرم داشتند؛ بنابراین، میان کمپانی نفت جنوب و خوانین بختیاری توافق‌نامه‌ای جدید منعقد شد که منافع استراتژیکی دو طرف را تأمین می‌کرد (یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۳۹۷، ج ۴، صص ۶۷۳-۶۷۷).

انتشار متن توافق‌نامه، واکنش ساکنان محلی خاصه سادات قیری را در پی داشت و اعتراضات و شکایات متعددی را موجب شد. سادات در زمینه تصرف اراضی و واگذاری آن به کمپانی نفت جنوب تعدادی نامه از جمله نامه زیر را به مرکز مخابره کردند و عمل بختیاری‌ها را غیرقابل قبول خواندند: «معادن نفت مسجدسلیمان و اراضی اطراف آن به موجب قبالات معتبر و متصرفات مالکانه قرن‌هاست که ملک بلامنزاع داعیان است. مسئله که اراضی اطراف مسجدسلیمان برای لوله‌کشی محل حاجت آن‌ها شده‌است، از قرار معلوم خوانین بختیاری اراضی داعیان را به آن‌ها [کمپانی نفت] اجاره داده‌اند؛ در صورتی که هیچ‌وقت ادعایی بر این اراضی نداشته‌اند. اگر خوانین ادعایی بر این اراضی دارند، داعیان حاضریم در عدلیه تهران یا هر جای که اولیای دولت امر فرمائید اثبات حقانیت خود را بنماییم. نمایندگان محترم عربستان در مجلس از این مسئله مسبوق هستند» (کمام، ۱۴۶۰). در اواخر ماه آوریل و در ماه می و ژوئن ۱۹۰۵ منطقه به علت رقابت دو جریان سیاسی به نام‌های صمصام‌السلطنه و شهاب‌السلطنه در ناآرامی به سر می‌برد. دلیل این نزاع عزل صمصام از منصب ایلخانی به نفع شهاب‌السلطنه بود (Iran Political Diaries 1881-1965, 1997, v3, pp 452-453).

معارضان به تاریخ ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸/۲۶ فروردین ۱۲۸۹ ش/۱۶ آوریل ۱۹۱۰ در نامه‌ای دیگر به مجلس شورای ملی مدعی شدند: «خوانین بختیاری، اراضی اطراف معادن نفت مسجدسلیمان ملکی آن‌ها را به کمپانی نفت جنوب به‌خلاف حق اجاره داده‌اند. لزوماً استعلام می‌شود تفصیل چیست و اراضی مزبور را در صورتی که متعلق به آن‌ها بوده‌است، خوانین بختیاری به چه مناسبت اجاره داده‌اند؟ مراتب را تحقیقاً اطلاع بدهند و هر اقدامی هم لازم است، در احقاق حق آن‌ها به عمل بیاید.» از سویی علمای عظام هم به این عمل بختیاری‌ها و کمپانی نفت جنوب واکنش نشان دادند. آخوند خراسانی مالکیت املاک و اراضی را به سادات متعلق دانسته و قرارداد خوانین بختیاری با شرکت نفت را خلاف شریعت و قانون ذکر کرده و آورده‌است: «به‌موجب قانون و شریعت چون خوانین بختیاری و کالتی از طرف آقایان [سادات] ندارند، مقاوله آن‌ها صحیح نیست. باید با وکیل آقایان قراری بدهند و تصرف نمایند. غیر از آقایان که مالک هستند هر کس با آن‌جناب یا رئیس نفت مقاوله نموده یا می‌نماید خلاف شرع و قانون نموده» (ساکما، ۲۹۱۴۴/۹۹۹).



عبدالله مازندرانی به تاریخ ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۲۸ق / ۱۵ تیر ۱۲۸۹ش / ۷ جولای ۱۹۱۰م در نامه‌ای به ویس قونسول دولت انگلیس بر همین نکته تأکید کرده است: «موجب حیرت و تعجب است، زیرا داخله و خارجه که در عربستان [خوزستان] اقامه دارند عموماً و عملاً نفت خصوصاً، مطلع هستند که این ملک در تصرف سادات عظام بود و هیچ وقت خوانین بختیاری یا غیری در آنجا گفت و گویی نداشته. گذشته از اینکه در شریعت اسلامی تصرف بلامنازع اعاده مالکیت است، اسناد شرعی معتبره صحیحه که محل شبهه نیست و فرمان و احکام دولتی که فاصل و قاطع دعاوی است نیز حاضر است. چنانچه کمپانی نفت محتاج به تصرف است، باید به موجب قانون و عدالت و شریعت اسلامی با وکیل آقایان عمل خود را فیصله کنند. خوانین و غیر خوانین حقی ندارند که قرار ملک آقایان را بدهند و اگر ادعای وکالت یا مالکیت کنند عاطل و باطل است» (ساکما، ۹۹۹/۲۹۱۴۴).

از سوی دیگر جمعی از سادات شوشتر و انجمن ولایتی عربستان به قرارداد فوق واکنش نشان دادند و مراتب اعتراض خود را با ارسال تلگراف‌هایی به مرکز نشان دادند و از مواضع سادات حمایت کردند. در تلگراف سادات شوشتر که محمد کاظم سبط شیخ جعفر شوشتری برای مجلس شورای ملی نگاشته آمده است: «اراضی که در اطراف معادن نفت جنوب واقع است چند فرسخی شوشتر با کمال مالکیت تامه بلامنازع در تصرف و وسیله معاش دعاگویان جماعتی از سادات شوشتر مشهور به سادات قیری بوده و گذشته از فرامین و قباله جات و اسناد و احکام علما و شهود، تصرف کتب تاریخ بر این مسئله بهترین شاهد و گواه است که از زمان سلاطین صفویه تا به حال یداً به ید و نسل به نسل در ملک و اعیان داخل چه شخصاً زراعت داشته و چه حق مالکی از زارعین دریافت کرده و کسی را ادعائی بر اراضی مزبور نبوده است، به جز در این ایام عدالت فرجام که عوامل عدل و قانون در مملکت ایران حکم فرما و ستون‌های حیات اجتماعی ملت بر اساس شرع مقدس و شالوده صحیح مشروطیت برپا است، خوانین بختیاری که خود را حامی ملت می‌نامند با وجود آنکه کاملاً حال اراضی مزبور و مستحقین آن را شناخته در این موقع دیگ طمع آن‌ها به جوش آمده عدل و انصاف و حق را پشت سر انداخته اراضی مذکوره را بلااستحقاق به کمپانی نفت انگلیس اجاره داده و کمپانی با استظهار استیجار اراضی را تصرف و عمارت و دکاکین در آن بنا می‌نمایند» (کمام، ۱۴۶۰).

در تلگراف و نامه انجمن ولایتی عربستان که به مهر و امضای اعضای انجمن مزین است آمده است: «بعضی خوانین می‌خواستند در باب معدن نفت و اراضی نواحی آن ملک متصرفی قهری بلامنازع الغای شبهه بر اولیای دولت و رؤسای مجلس شورای ملی دامت تأییداتهم نمایند، ولی اینکه مالکیت آن اراضی معدن نفط تصرفات متقاضیه مستمری

شرعیه و دعاویۀ آن سال‌ها بلامنازع و تشکیک از آباواجداد بدون ادعای فردی از افراد بنی‌نوع انسان و احدی از افراد اهالی عربستان محل انقیاد انکار نیست» (کمام، ۱۰۸۲۴).

سادات پس از انعقاد توافق‌نامه بین خوانین بختیاری و کمپانی نفت جنوب تلاش‌های مضاعفی برای اثبات حقانیت و حقوق خویش انجام دادند، ولی این تلاش‌ها نتیجه‌ای به‌همراه نداشت. در ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ / ۱۱ می ۱۹۱۱ م / ۲۰ اردیبهشت ۱۲۹۰ ش بین خوانین بختیاری (جعفرقلی خان سرداربهادر و غلام‌حسین خان سردارمحتشم) و نماینده شرکت نفت بختیاری قراردادی منعقد شد. در فصل ۱ و ۲ این قرارداد به فروش و واگذاری اراضی (میدان نفتون و نفتک و...) با تمام متعلقات و چشمه و آب و هرچه در آن یافت شود، به قیمت ۲۲۰۰ لیره به کمپانی نفت بختیاری و شرکت نفت داری اشاره شده است (ابطحی فروشانی، ۱۳۸۴، ص ۵۱). قرارداد، نسخه تکمیل شده توافق‌نامه ربیع‌الاول ۱۳۲۹ / مارس ۱۹۱۱ م / ۱۲۸۹ ش بود و در ماده سوم بر این موضوع تأکید شده بود که هیچ‌یک از افراد بختیاری یا سکنه بومی از جمله سادات قیری شوشتر حق ممانعت و اعتراض ندارند و اگر خسارت یا زبانی از طریق آنان وارد شود، غرامت آن به‌عهده خوانین بختیاری خواهد بود (ابطحی فروشانی، ۱۳۸۴، ص ۵۱). با این اوضاع، سادات برای تسهیل و پیگیری امورات خود نیمی از اراضی قیر لارستان را به عبدالحسین ده‌دستی واگذار کردند و نیمی دیگر را با وکالت مطلقه به او تفویض کردند و از ۱۳۰۲ ش / ۱۹۲۳ م به‌بعد میرزاعبدالحسین ده‌دستی پیگیر امورات و احقاق حقوق سادات شد.

۴. میرزاعبدالحسین ده‌دستی و حیات سیاسی او

میرزاعبدالحسین ده‌دستی از جمله تجار قدرتمند و متنفدی بود که نفوذ و پایگاه اجتماعی و اقتصادی مهمی در جنوب و مرکز کشور داشت. او در سال‌های پایانی حکومت قاجار دوره از تحولات سیاسی-اقتصادی جنوب ایران شد و در تشکیلات سیاسی-اقتصادی این تجار ده‌دستی^۱ دارای شم سیاسی، تجاری و پیشینه خانوادگی شایان توجهی بود. او در مرقومه‌ای در معرفی خود برای مجلس شورای ملی آورده است: «تصور نفرمائید ده‌دستی از اهل دشتستان است. لازم دانسته معرفی خود نماییم؛ چهار پشت از [نسب] مادری به نادرشاه افشار است و از [نسب] پدری شش پشت به شاه‌عباس صفوی منتسب است» (کمام، ۱۳۶، ص ۵). او فرزند حاج محمدحسن ده‌دستی (از تجار سرشناس اصفهان) بود که تاجری سرشناس و مورد احترام حاکمان بود و در مجموعه اسناد مربوط به ثبت اموالش به چندین دکان ریخته‌گری، دوات‌گری و قنداق‌سازی در بازار چخماق‌سازهای اصفهان اشاره

۱. ده‌دست منطقه‌ای در استان کهگیلویه و بویراحمد کنونی است که در دوره صفوی به‌عنوان مرکز بیگلربیگی کهگیلویه به‌شمار می‌رفت و از کانون‌های عمده تجارت در جنوب ایران بود. با سقوط حکومت صفوی، بیگلربیگی کهگیلویه مانند دیگر ولایت‌های ایران دچار ناامنی و آشوب شد. برخی از طوایف کهگیلویه و بویراحمد به مناطق همجوار خود چون خوزستان، فارس، بوشهر و اصفهان مهاجرت کردند که با پسوند ده‌دستی و اسامی مکان‌های موطنشان در دیگر ولایت‌ها مشهورند. یکی از این گروه‌ها، تاجر بودند که برای فعالیت‌های بازرگانی به امنیت نیاز داشتند. این تاجران در نواحی جنوبی و مرکزی ایران پراکنده شدند و به مرادوات تجاری با مناطق اطراف تاهندوستان مشغول شدند.



شده است. میرزاعبدالحسین پنج برادر داشت به نام‌های میرزاعبدالمحمدتقی^۱، میرزاعلی محمد، میرزاعبدالمحمدعلی، میرزاعبدالمحمدرضا و میرزاحسن و دو خواهر هم داشت (ساکما، ۲۴۰/۸۸۷۹۰). میرزاعبدالحسین ابتدا در اصفهان فعالیت داشت و با شکل‌گیری مجلس وکلای تجار از طرف تجار اصفهان به نمایندگی در این مجلس انتخاب شد. پیوندهای تجاری میان اصفهان و خوزستان و نفوذ تجار دهمدشتی در این صفحات به‌ویژه محمد دهمدشتی (معین‌التجار بوشهری) و محمدتقی سبب توسعه فعالیت‌های تجاری میرزاعبدالحسین شد. او سپس از ۱۲۸۳ ش/۱۹۰۴م به تجارت در صفحات خوزستان از جمله شوشتر، دزفول، اهواز و خرم‌شهر پرداخت. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های عبدالحسین دهمدشتی تجارت و صادرات نفت در منطقه خوزستان و اصفهان بود. اطلاعات و وسیع از عایدات و صورت‌حساب‌های نفتی و تأکید بر داشتن ادله کافی برای اثبات عرایضش و آمار کمی چاه‌های اکتشافی و استخراجی کمپانی در مناطق خوزستان و پشت‌کوه و قشقایی نشان می‌دهد که او در ابتدا مراداتی با کمپانی نفت جنوب در جنوب داشته است (کمام، ۸۲۳۸، صص ۲-۹؛ کمام، ۳۳۱۷۲، صص ۱-۲). اشاره او به اینکه «مدت ۱۸ سال (از ۱۲۸۳-۱۳۰۱ ش/ ۱۹۰۴-۱۹۲۲م) با کمال خلوص نیت مشغول خدمتگزاری به دولت متبوعه می‌باشم» تأکیدی بر این نکته است که دهمدشتی به‌عنوان کارگزار دولت با کمپانی نفت همکاری داشته است (کمام، ۴۲۲۸). او در جای دیگر نیز اشاره کرده است: «تجارت‌خانه‌ای در اداره نفت دارا می‌باشم» (کمام، ۴۶۷۷).

۵. چالش دهمدشتی و کمپانی نفت جنوب

کمپانی نفت جنوب در موضوع اراضی مورد بحث دو رویه در پیش گرفت. از یکسو در ۱۲ جمادی الاول ۱۳۲۹/۱۱ می ۱۹۱۱م/ ۲۰ اردیبهشت ۱۲۹۰ ش با خوانین بختیاری قراردادی منعقد کرد و از سوی دیگر با گذشت هفت سال از قرارداد کمپانی داری و سادات قیری (۱۲۸۶ ش/ ۱۹۰۷م تا ۱۲۹۳ ش/ ۱۹۱۴م) برای کسب منافع بیشتر تلاش کرد تا قرارداد را از اجاره‌ای به خریداری تبدیل کند؛ به این منظور نماینده‌ای را به همراه دو تن از مجتهدان به نزد سادات قیری فرستاد. اگرچه سادات با استناد بر مالکیتشان بر این اراضی و تصدیق مجتهدان از فروش اراضی اجتناب کردند (کمام، ۹۱۸۰، ص ۱)، ولی کمپانی نفت جنوب با ادامه روند استخراج نفت و ایجاد ابنیه، اراضی مزبور را در تملک خود درآورد؛ در صورتی که فقط مبلغ اجاره چشمه را به سادات می‌پرداخت.

سادات متقابلاً برای پیگیری امورات به دهمدشتی وکالت مطلقه‌ای دادند و دهمدشتی نیز برای اثبات حقانیت و حقوق خویش و سادات تلاش‌های مضاعفی انجام داد. او ابتدا به

۱. میرزاعبدالمحمدتقی در ابتدا به تجارت چای بین اهواز و اصفهان می‌پرداخت و سپس با همکاری برادران خویش به‌ویژه میرزاعلی محمد شرکت تضامنی دهمدشتی و اخوان اهواز را تأسیس کرد و به تجارت و صادرات فرش پرداخت (ساکما، ۲۹۶/۲۱-۳۴).

۲. مجلس وکلای تجار نخستین تجمع گروهی تجار برای بهره‌گیری از امتیازات اقتصادی و سیاسی بود که فرمان تشکیل آن را ناصرالدین شاه در ۱۳۰۱ ق/ ۱۸۸۲ م صادر کرد (نرابی فارسانی، ۱۳۸۴، ص ۹۴).



کارگزاری خوزستان حاجی فخرالملک مراجعه کرد و پیگیر امور شد. کارگزار (حاجی فخرالملک) نامه‌ای به کمپانی نوشت و از رئیس کمپانی - ویلسون - نظرخواهی کرد. ولی ویلسون در جواب کارگزار، ضمن رد ادعای ده‌دستی، موضوع را به دولت ایران ارجاع داد: «کمپانی مالک و متصرف این اراضی است و ید تصرف قوی است. اگر ده‌دستی یا دیگران ادعائی در اراضی داشته باشند، به دولت ایران رجوع نمایند و کمپانی هیچ‌گونه حاضر نیست در این خصوص داخل مذاکره شود» (کمام، ۹۱۸۰، ص ۳). به دنبال آن، ده‌دستی موضوع را به همراه مراسله ویلسون به اطلاع وزارت امور خارجه رساند و تقاضای رسیدگی کرد. وزارت خارجه (دکتر مصدق) در جواب نامه، کارگزار خوزستان را به رسیدگی به موضوع مکلف کرد. ویلسون رئیس کمپانی از کارگزار جدید (حشمت‌السلطنه که بعد از فخرالملک به کارگزاری انتخاب شده بود) درخواست کرد، با دادن مهلت و فراهم آوردن زمینه رضایت ده‌دستی، موضوع را خاتمه دهد؛ ولی نتیجه مطلوب حاصل نشد و ده‌دستی اقدامات بعدی خود را آغاز کرد. او در گام نخست با استناد به اسناد و مدارک موجود و بهره‌مندی از منابع تاریخی و تصدیق‌نامه‌ی علما و مجتهدان و همچنین کارگزاران خوزستان و شوشتر، مالکیت سادات بر اراضی فوق را اثبات کرد. او در گام دوم با استناد به قرارداد کمپانی و سادات، بر جنبه‌ی اجاره‌ای نه خریداری اراضی تأکید کرد و پس از آن با استناد به اصول ۱۱۴ و ۱۲۱ قرارداد داری که تمام کارگر کمپانی باید رعیت ایران و تحت حمایت شناخته شوند، خواهان بررسی شکایت خود در مرکز و حمایت دولت شد؛ ولی کمپانی با ابزارهای پرنفوذ خویش در مرکز، مانع از این مهم شد و خواهان بررسی شکایت در خوزستان شد. ماحصل چالش ده‌دستی و کمپانی نفت جنوب در سه مرحله زیر به اختصار آمده است.

مرحله اول ۱۳۰۰-۱۳۰۲ ادعای طرفین در مالکیت امتیاز و معادن

مرحله دوم ۱۳۰۳-۱۳۰۴ اقدامات ده‌دستی برای اثبات حقانیت

مرحله سوم ۱۳۰۶-۱۳۰۷ شفاف‌سازی ده‌دستی و واکنش کمپانی نفت جنوب

ده‌دستی بعد از اثبات مالکیت سادات و تلاش‌هایی که در این راستا بین سال‌های ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م/۱۳۳۹ق تا ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م/۱۳۴۳ق انجام داد و با توجه به نگرانی نتیجه مطلوب و قطعی، در مرحله سوم به شفاف‌سازی و افشای فساد کمپانی نفت جنوب پرداخت. در این مرحله ده‌دستی علاوه بر پیگیری پرونده از طریق مجاری قانونی، به شفاف‌سازی درباره کمپانی و عواید نفت، فساد کارگزاران خوزستان، سیاست کمپانی در خوزستان، بی‌کفایتی حکام و بی‌اطلاعی وزارت متبوع و دولت پرداخت. مجموعه اسناد و مدارکی که ده‌دستی از مناطق خوزستان به مجلس شورای ملی، وزارت امور خارجه، وزارت فواید عامه، مالیه و سایر مراجع ذی‌ربط ارسال کرده است، حاوی اطلاعاتی سودمند از حضور انگلستان در



ایران به‌ویژه تسلط این کشور بر فعالیت‌های اقتصادی و کشف و بهره‌برداری از چاه‌های نفتی و ایجاد منازعات سیاسی و نظامی داخلی بین ایلات و افراد برای پیشبرد منافعش است. فعالیت هجده‌ساله (۱۲۸۳-۱۳۰۱ ش/ ۱۹۰۴-۱۹۲۲ م/ ۱۳۲۲-۱۳۴۰ ق) عبدالحسین دهدشتی در خوزستان و حضورش در تشکیلات اداری به‌عنوان کارگزار دولت برای همکاری با کمپانی نفت (کمام، ۴۲۲۸) سبب شد تا او اطلاعاتی ارزشمند از چاه‌های نفتی و میدان‌های جدید، بهای نفت و عواید آن کسب کند. برطبق مدارک و مستندات او، کمپانی برای پنهان‌کاری و نادیده‌گرفتن سهم سود ایران تلاش می‌کرده‌است. او می‌نویسد: در مدت ۱۴ سال از ۱۹۰۸ که اولین چاه به نفت رسید تا ۱۹۲۲ کمپانی بیش از ۸۰ حلقه چاه نفت حفر کرده‌است که تنها از ۶ حلقه چاه نفت استخراج می‌کند و بقیه را با عنوان ذخیره نگه داشته‌است. به‌موجب قرارداد کمپانی با دولت (فصل ۱۰) کمپانی باید بعد از وضع مخارج صدی شانزده به دولت بدهد؛ در صورتی که کمپانی آنچه از ماشین‌آلات و تجهیزات و عملیات و تمام این‌گونه اخراجات به‌جهت معادن استخراج جدید می‌نماید تماماً از عایدات نفت استخراج‌شده محسوب می‌دارد (کمام، ۱۲۹۶). دهدشتی در گزارش شماره ۴۲۳۸ نیز اشاره کرده‌است: «راجع به فروش نفت جنوب آقای حاج معین‌التجار در شماره شانزده ستاره ایران شرحی داده بودند [که]: فروش نفت کمپانی در عربستان قیمتی علاوه از فروش نفت در لندن کمپانی به مصرف می‌رساند. نماینده کمپانی نفت مقیم تهران در شماره ۱۸ مورخه ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۴۰ ق/ ۱۹ مرداد ۱۳۰۱ ش/ ۱۱ اگوست ۱۹۲۲ م در مطالبی که حاج معین‌التجار بوشهری در روزنامه مذکور نموده بودند، فروش نفت در عربستان [را هر] گالن دو قرون [و] چهارصد دینار، بنزین یک گالن چهار قرون [و] سیصد و پنجاه دینار قلمداد فروش نماینده کمپانی داده بود؛ در صورتی که خلاف بوده. فروش نفت و بنزین از این قرار بوده: بنزین یک گالن هفت قران و نفت یک گالن چهار قرون. خود [م] وکیل کمپانی در فروش نفت و بنزین بوده ام!» (کمام، ۴۲۳۸، صص ۲-۳).

در ادامه گزارش آمده‌است: «راجع به استخراج نفت کمپانی و مخارجات کمپانی و برداشتن کمپانی بابت مخارجات اولاً در سنه ۱۹۰۱ م/ ۱۲۸۰ ش/ ۱۳۱۹ ق کمپانی، چندین چاه استخراج نفت شده بود. از سنه مذکور الی سنه ۱۹۱۴ ق/ ۱۲۹۳ ش/ ۱۳۳۲ ق آنچه عایداتی نفت می‌شد کمپانی بابت مخارجات خود، برداشت در این مدت چهارده سال می‌نمود. از اول سال ۱۹۱۵ م/ ۱۲۹۴ ش/ ۱۳۳۳ ق آنچه عایدات نفت می‌شد بعد از وضع مخارجات هر ساله به‌موجب حساب‌سازی کمپانی صدی شانزده به دولت پرداخت می‌شد؛ در صورتی که از این عایدات استخراج‌شده به مصرف چاه‌های دیگر، کمپانی می‌نمود» (کمام، ۴۲۳۸، ص ۳).
عبدالحسین دهدشتی در گزارشی به وزارت جنگ عنوان می‌کند: «راجع به نفت عربستان

به موجب اطلاعاتی که این غلام دارد حقوق دولت را به کلی پایمال و عُشری از اَعشار صدی شانزده را کمپانی به دولت نمی‌پردازد. اصل عایدات نفت را کمپانی از کمیسری نفت مخفی می‌دارد و به میل خودشان صورت جمع به کمیسری تقدیم می‌دارند و کمیسر نیز محض جیب منفعت شخصی صرف نظر از عایدات دولت نموده و صورت حساب جمع کمپانی را کمیسری می‌پذیرد» (مُتَمَّا، ق ۰-۷-۰) و در ادامه آورده است: لا اقل دویست میلیون پوند از حقوق دولت را کمپانی از میان برده است و او حاضر است دلایل کافی برای ثبوت عرایضش ارائه دهد (مُتَمَّا، ق ۰-۷-۰).

۱.۵. به چالش کشیدن مشروعیت کمپانی نفت جنوب

عبدالحسین ده‌دستی در مراسله‌های شماره ۲۲۹۸ و ۴۲۳۸، کمپانی نفت جنوب را به بهره‌برداری سیاسی و تجاری از منافع اقتصادی ایران و اعمال حاکمیت در صفحات جنوبی کشور متهم کرد و مشروعیت کمپانی را به چالش کشید و هم‌چنین کارگزاران ایرانی را به جانبداری از کمپانی محکوم کرد: «وزارت فوائد عامه تصور می‌نماید کمپانی نفت کمپانی تجاری است؛ از حرکات و اوضاع کمپانی بی‌اطلاع هستند. توپ‌خانه دولت را در محمره به اسم دیگران متصرف [شده‌اند] و اسم او برای اهالی [است]، ولی واگذار به اداره نفت شده است. اتصال^۱ کمپانی در صدد بوده و هست [تا] نفوذ دولتی [را] در این صفحات به کلی معدوم نماید» (کمام، ۲۲۹۸، ص ۲). او در تلگراف ۴۲۳۸ به وزارت امور خارجه و ریاست مجلس شورای ملی آورده است: «عملیات کمپانی در پیش‌کوه و خاک قشقای و جاهای دیگر [را] تصور می‌فرمایید برای استخراج نفت می‌باشد. در صورتی که فعلاً با این همه استعدادی که کمپانی حاضر نموده از عهده سه لوله نفت که در جریان است برنیامده که به مصرف فروش برساند و حال آنکه این نفت [را] در تمام دنیا حمل و به مصرف می‌رسانند و مع‌هذا از کثرت زیادی نفت را به صحرا می‌دهند؛ در صورتی که متجاوز از صد چاه که استخراج شده است روی چاه را گرفته‌اند که حالیه کمپانی احتیاج به مصرف چاه‌های دیگر نیست؛ مقاصد سیاسی می‌باشد. همین نکته کافی است که مستر ویلسن را که حکومت کلیه عراق بوده و از اشخاص فعال و فهمیده‌شناس بریتانیا می‌باشد به چه مناسبتی باید رئیس کمپانی نفت شود؟!» (کمام، ۴۲۳۸، ص ۹). ده‌دستی در جایی دیگر نیز اشاره دارد: «اکرم‌الملک کارگزار ناصری دو سال جرأت [نصب] بیرق دولتی [را] در کارگزارخانه نداشت، بعد از دو سال با اجازه ویس قونسول اهواز بیرق دولتی نصب نمود» (کمام، ۱۴۱۷).

۱. پیوسته



۵.۲. بی‌اطلاعی مسئولان از وضعیت خوزستان

دهدشتی در گزارش‌هایی که برای مجلس شورای ملی و وزارت امور خارجه ارسال کرده‌است، به‌وضوح مسئولان را به بی‌اطلاعی از وضع خوزستان و مفاد قرارداد نفت، حمایت از کمپانی، بی‌توجهی در رسیدگی به کارها و امور نفت، و فسادپذیری متهم می‌کند: «اداره امور خارجه اشخاصی را به مأموریت عربستان در خصوص اداره نفت می‌فرستند که ابداً اطلاعاتی از قانون اداری ندارند» (کمام، ۱۳۹۷). «کمیسر نفت (فریدالسلطنه) در چندین روز قبل وارد ناصری شد. به وسایلی در یک منزل او را طلبیدم؛ هرچه از او استنباط نمودم دیدم که ابداً این شخص اطلاعاتی ندارد. اطلاعات خود را به ایشان مذاکره نمودم، دیدم خیلی بر طبعش گران آمده زبان را به سخن‌های بی‌معنی [گشود] بر اینکه دولت توسری خور انگلیس هستیم و به تغییر [رویه] نصیحت می‌نمود [و این‌که] در این کارها صلاح شما نیست مداخله نمایید، انگلیس را وامی‌دارند تو را بکشند. حرف‌های این کمیسر قابل توجه نیست؟! اولاً این شخص وارد ایران شده با فورم انگلیس و شفقه^۱ بر سرش گذاشته و در منزل کمپانی وارد شده و با احدی از ایرانی‌ها هم‌کلام نشده یا اظهار تنفر از ایرانی‌ها می‌نماید. تعجب است از اولیای امور [که] همچو اشخاصی جوان بی‌فکر و بی‌تجربه [را] به کارهای مهم مأموریت می‌دهند» (کمام، ۲۲۸، صص ۱۰-۱۱). دهدشتی در جای دیگر درباره بی‌اطلاعی مسئولان از مفاد قرارداد نفت اشاره دارد: «چندین سال [است] دولت امتیاز به کمپانی جنوب داده‌است، [ولی] ابداً رسیدگی در کارهای کمپانی نمی‌نماید. قهر چه دارد این چه مقدار مرعوب انگلیس‌ها هستند؛ هیچ قومی به مرعوبیت درجه ارتقاء نخواهد شد» (کمام، ۲۹۸، ص ۱).

۵.۳. فساد کارگزاران خوزستان و جانبداری از کمپانی نفت جنوب

یکی از مهم‌ترین چالش‌های میان عبدالحسین دهدشتی و کمپانی نفت جنوب، موضوع سودجویی افراد و شخصیت‌های درباری و نظامی از نفت و امورات آن بود. به‌طوری‌که دهدشتی علاوه بر موارد پیش‌گفته کارگزاران خوزستان از جمله وحیدالسلطنه، مؤیدالدوله و اکرم‌الملک را هم به فساد و دریافت رشوه از تجار و کمپانی نفت (درباره پروژه راه‌آهن معین‌التجار) و تبانی با کمپانی متهم کرد. در مقابل کارگزاران ادعای دهدشتی را غیرقابل قبول دانستند و موضوع شکایت کمپانی نفت جنوب و شرکت استریک اسکات از دهدشتی را مطرح کردند و خواهان پرداخت بدهی دهدشتی به کمپانی شدند؛ ولی دهدشتی شکایت کمپانی و ادعای طلبش را به چالش کشید و برپایه ادله و اسناد مدعی شد که شکایت او باید در اولویت رسیدگی قرار گیرد و مجدداً کارگزاری را به پشتیبانی از کمپانی متهم کرد و از

کلاه. ۱



نبود عدالت و قانون و محاکم صالحه در خوزستان و نفوذ بیش از حد انگلیس شکایت کرد: «نظر به قرارداد دولت علیه ایران با اتباع خارجه، هرگاه اتباع خارجه ادعایی بر علیه داخله داشته باشند باید اسناد در دست داشته باشند؛ بدون اسناد صورتی ندارد. چنانچه کمپانی مذکور رسیدی از فدوی دارد بفرستد به مرکز ارائه بدهند؛ به تصویب مرکز اطاعت دارم. در عوض ادعای فدوی بالغ بر پانصد و نود و چهار هزار تومان صورت حساب جمعی، تقریباً سی هزار تومان صورت به کارگزاری داده‌اند. کار گزار در ۲۵ میزان ۱۳۰۱ ش/ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۲ م/ ۱۳۴۱/۲/۲۶ ق مرقومه به فدوی نوشته‌اند؛ چون ادعای حقیر نسبت به ادعای کارگزاری به یک سال می‌باشد، اول رسیدگی به ادعای فدوی نماید بعد مراجعه به ادعای کمپانی شود. جای تعجب است، پس از یک سال آیا صورت حساب بدون سند و رسیدگی می‌تواند مدرک قرار داد» (کمام، ۳۳۱۷۲، ص ۱). ده‌دستی در ادامه به ذکر جریان تصاحب ملک حاج معین‌التجار و واگذاری آن به بانک شاهی اشاره کرده و آورده است: «ملک جناب حاجی معین‌التجار را دیگران به بانک شاهی فروختند؛ اگر ملک کار گزار ناصری با اطلاع داشتن [از اینکه] ملک مال دیگری است تصدیق در ورقه مذکور می‌نماید. بانک شاهی ورقه مذکور را به مرکز می‌فرستد [و] وزارت امور خارجه تصدیق در ورقه می‌نماید. آیا دیگر معین‌التجار [خواهد] توانست ملک خود را مسترد از بانک نماید؟» (کمام، ۳۳۱۷۲، ص ۲). سپس با مطرح کردن نفوذ کمپانی و حمایت کار گزار از کمپانی، قضاوت او را قابل قبول نمی‌داند و به سبب نداشتن امنیت جانی خواستار می‌شود که موضوع در مرکز رسیدگی شود: «مؤیدالدوله طرفداری از کارگزاری می‌کند، فدوی مجبورم برای حفظ جان هر تصدیقی از فدوی بخواهد محض حفظ جان خود تصدیق نمایم. فدوی ابداً اطمینان به قضاوت کارگزاری‌ها ندارم. اگر ملک در زمان کفیل بودن او در شوشتر خطی به فدوی از شوشتر نوشته بود بر اینکه به واسطه خشک‌سالی مأمورین ما مالیات وصول ننموده‌اند حقوق ایشان تعویق افتاده و در خط مذکور که موجود است در آن ذکر نموده محض شرافت دولت پانصد تومان برایشان فرستادم. مدت یک سال و کسری می‌باشد وجه حقیر را نمی‌پردازد. می‌گویند برو شکایت مرا به سردار اقدس نما. با این همه تظلم به مرکز هیچ‌گونه مساعدتی به فدوی نمی‌نمایند و در صدد تضییع حقوق حقیر می‌باشند. کارگزاری بعضی راپورت‌ها به کمپانی نفت و قونسول‌گری داده و آن‌ها را عصبانی نموده و در صدد تلف نمودن حقیر هستند» (کمام، ۳۳۱۷۲، ص ۳). او سپس موضوع تعطیلی تجارتخانه‌اش توسط وحیدالسلطنه را مطرح می‌کند: «از جمله اعمالی که از ناحیه مأمورین ناشی می‌شود [اینکه با] جناب آقای وحیدالسلطنه کار گزار عربستان که برای ملاقات و استقبال آقای مستشارالدوله برای بندوبست و کالت به ناصری آمده بودند در تلگراف خانه مصادف شدم. شرح مفصلی مبنی بر تصدیق حقانیت چاکر و استیفای حقم را



می نمود نهایت امیدواری را می داد. پس از مفارقت فوراً به ملاقات قونسول اهواز رفته بدو تقاضای مساعدت در وکالت عربستان نمود. در حالی شروع به سعایت بر علیه چاکر نمود که تجارت خانه چاکر را در ادارات نفت خارج نمایند و مطالباتی [را] که در آن ادارات دارم لاوصول نمایند؛ قونسول هم اجابتاً تقاضای کارگزار امر به کمپانی داده که فشار به تخلیه اداره حقیر بنمایند» (کمام، ۱۳۷۷، ص ۱).

۵.۴. نفوذ و قدرت انگلیس در خوزستان

از دوره قاجار نفوذ و رقابت سیاسی-اقتصادی انگلیس و روسیه تزاری برای امتیازگیری در ایران آغاز شد. حضور این دو کشور در ایران، سبب مصائب زیادی برای حکومت و سرزمین ایران شد و نظر جامعه ایرانی را درقبال این دو کشور استعمارگر منفی کرد؛ ولی با کشف نفت، دوباره حضور انگلیس در صفحات جنوبی پررنگ شد. انعقاد قرارداد داری با دولت ایران، رقیب دیرینه انگلیس یعنی روسیه را به عقب راند. این قرارداد سبب اعتراضات ضدبریتانیایی شد؛ به طوری که عبدالحسین دهدشتی در ادامه وکالت مجلس، کارگزاران محلی و مسئولان را به ترس از انگلیس متهم می کند و نمایندگان دولت در خوزستان را بی صداقت و حامی انگلیس می داند: «بعضی از وکلای عربستان به صواب دید انگلیس ها حالیه در مجلس دارالشوری تصویب، شده اند [داخل شده اند]. بدیهی است همچو اشخاصی مواظبت از منافع انگلیس را منظور خود می نمایند و برضد منافع دولتی به لباس وکیل داخل شده اند و در مجلس قیام می نمایند. لازم نیست ضدیت خود را اظهار بدارند، به لباس های مختلف مقاصد خود را انجام می دهند» (کمام، ۱۳۳۸، صص ۴-۵). دهدشتی در تلگرافی دیگر به امور خارجه نیز آورده است: «بنابه فرموده وزارت خارجه که در صورت رضایت طرفین به حکمیت به کارگزاری دستور داده اند اوامر مطاعانه را جان نثارانه اطاعت دارم. لزوماً عرض می کند [که] قدرت و نفوذ انگلیس در صفحه عربستان مانع از تصفیه عمل می باشد و احدی قادر به اجرای طرفیت با رعایای آنها ندارد و هیچ کس جرأت اینکه در ضد منافع انگلیس قیام و اقدام دارد نیست و فدوی به هیچ وجه نمی توانم در اینجا با آنها طرف شده، به جز اینکه به حضور در مرکز شرفیاب شوم» (کمام، ۱۳۲۹۲). دهدشتی در ادامه کارگزاری را به ترس از انگلیس محکوم کرده و آورده است: «کارگزاری عربستان در این صفحات هیچ گونه اقدامی در خصوص تظلم به مرکز از کمپانی نفت ننموده، بلکه اسباب تجری آنها را فراهم می آورد. کارگزاری در این صفحات اول [در پی] توجه به انگلیس و بهره بردن از آنها به هر وسیله می باشد و نسبت به امور عربستان بی توجه [اند] و تنها به فکر مستمری برای خود هستند» (کمام، ۱۳۸۶۵). «امروز انگلیسی ها گرفتار در اغتشاش داخلی خود هستند



این مقدار مرعوب هستیم، وای بر آن وقت [که] فراغتی حاصل نمایند، دیگر بدون هیچ گفت‌وگو مملکت ما در خطر خواهد بود. این وزارت که ما داریم هرروز کلی منصوب و کلی معزول [دارد] و این مرعوبیتی که اولیای امور ما از انگلیسی‌ها دارند محض یک پیشنهاد که انگلیس‌ها می‌نمایند فوراً استعفا می‌دهند» (کمام، ۲۲۹۸، ص ۳).

۶. پیشنهادها و راهکارهای عبدالحسین ده‌دشتی برای کاهش تنش‌ها

ده‌دشتی برای جلوگیری از سوءاستفاده مالی کمپانی و افزایش منافع دولت پیشنهادهایی نیز داده است. مهم‌ترین این پیشنهادها عبارت‌اند از:

۱. تشکیل اداره‌ای برای رسیدگی در مدیریت اداری و حسابرسی نفت مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهکار عرضه شده عبدالحسین ده‌دشتی برای جلوگیری از سودجویی کمپانی نفت جنوب، تشکیل اداره «مدیریت اداری و حسابرسی نفت» در خوزستان بود. هدف او از راه‌اندازی این اداره، شفاف‌سازی و جلوگیری از فساد مالی و اداری مسئولان متبوع بود. براساس اسناد مربوطه آمده است:

«لازمه دولت بر این است [که] اداراتی در اداره نفت مفتوح [نماید که] لاقفل سالیانه پنجاه کرور تومان عایداتی دولت خواهد بود [و] رفع احتیاج دولت و اصلاح قشون خواهد [شد] و رفع استراتژیک انگلیس در داخله مملکت [خواهد شد]» (کمام، ۲۲۹۸، ص ۲) و «در سنه ۱۹۱۵م/۱۲۹۴ش/۱۳۳۳ق در حسابات کمپانی باید تفتیش شود [تا] آنچه از عایدات نفت مصرف چاه‌های دیگر نموده است [و] حتی به صاحبین سهام کمپانی منافع داده است باید صدی شانزده از مبالغ عایدات به دولت مسترد شود. کمپانی هر جائی که بخواهد استخراج نفت بنماید باید از کیسه خود خرج نماید آن وقت از عایدات مخارج خود برداشت نماید» و در جایی دیگر درباره سوءاستفاده کمپانی انتقاد می‌کند که: «مانع از بنامودن ایرانی‌ها در آن صفحات هستند و خود کمپانی بنا از خود برای مستأجرین می‌نماید و با حساب گزاف به تجار که ایرانی‌اند دکانی یک‌صد تومان تمام شده است چهارصد تومان از مستأجر سرقفلی می‌گیرند و یک‌صد و بیست تومان کرایه سالیانه می‌گیرند» (کمام، ۴۶۷۷، ص ۲). عبدالحسین ده‌دشتی علاوه بر تشکیل نهاد اداری برای جلوگیری از فساد مالی، اداری و رانت‌های حکومتی و نظارت بر امورات کمپانی نفت جنوب، پیشنهادهای دیگری هم داده است: ۲. ایجاد تلگراف‌خانه؛ ۳. جلوگیری از سوءاستفاده افراد سیاسی و نظامی از کمپانی نفت جنوب؛ ۴. انتصاب افراد وطن‌خواه و شجاع به مأموریت خوزستان؛ ۵. به‌کارگیری و جذب افراد فسادناپذیر، پاک‌دست و مطلع در امورات نفت.



۷. نتیجه

کشف و بهره‌برداری از منابع نفتی در ایران، سبب توجه ابرقدرت‌های جهانی آن روز به سرزمین ایران شد. نفت برای سرزمین ایران، هم مایه خوشبختی و هم مایه مصیبت شد. انعقاد مجوز حفاری و استخراج نفت در جنوب ایران با کارفرمایی بریتانیایی به نام ویلیام ناکس داریسی سبب تسلط و نفوذ پررنگ انگلیس در ایران شد و نقش رقیب انگلیس یعنی روسیه تزاری را در ایران کم‌رنگ کرد. حفاری و اکتشاف نفت در جنوب ایران به‌ویژه در خوزستان به اختلاف محلیان و کمپانی نفت انگلیس بر سر تملک مکان‌های حفاری شده منجر شد. یکی از این چالش‌ها، چالش کمپانی نفت جنوب با سادات قیری و عبدالحسین دهدشتی بر سر مالکیت منطقه حفاری بود. اسناد و شواهد تاریخی نشانگر آن است که عبدالحسین دهدشتی و کمپانی نفت جنوب هر کدام سیاست‌های متفاوتی برای احقاق حقوق و مالکیتشان و عبور از چالش‌ها و فشارهای سیاسی حاصل از آن اجرا کرده‌اند. دهدشتی با ادله، شواهد و مدارک تاریخی مالکیت سادات قیری بر مکان مورد مناقشه را اثبات کرد و در این راستا بین سال‌های ۱۳۰۰ش تا ۱۳۰۴ش تلاش‌هایی برای رفع تنش انجام داد. دهدشتی با پیگیری پرونده از طریق مجاری قانونی، به شفاف‌سازی در زمینه کمپانی و عواید نفت، فساد کارگزاران خوزستان، سیاست نادرست و تفرقه‌اندازانه کمپانی در خوزستان، بی‌کفایتی حکام و بی‌اطلاعی وزارت متبوع و دولت پرداخت. دهدشتی پیشنهادها و راهکارهایی را برای جلوگیری از سودجویی کمپانی نفت بریتانیا و دولت مردان ایرانی و کاهش تنش‌های به‌وجودآمده عرضه کرد؛ از جمله: تشکیل اداره‌ای برای رسیدگی در مدیریت اداری و حسابرسی نفت، ایجاد تلگراف‌خانه، جلوگیری از سوءاستفاده افراد سیاسی و نظامی از کمپانی نفت جنوب، انتصاب افراد وطن‌خواه و شجاع به مأموریت خوزستان، به‌کارگیری افراد فسادناپذیر و مطلع در امورات نفت. در هر حال، کمپانی از ابزارهای متعدد برای پیشبرد مقاصد سیاسی، تجاری و اقتصادی خویش بهره می‌برد؛ ولی روند شفاف‌سازی دهدشتی در زمینه کمپانی و دولت انگلیس سالیان متعدد ادامه یافت. با لغو قرارداد داریسی در سال ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م، شکایت‌های دهدشتی هم پایان یافت. بدون تردید افشای ماهیت کمپانی و نفوذ دولت انگلیس در صفحات جنوبی ایران توسط دهدشتی، و حمایت انگلیس و کمپانی از کارگزاران خوزستان از جمله شیخ خزعل، دولت مرکزی ایران را به تجدید نظر در این قرارداد واداشته است.

منبع

اسناد آرشیوی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۲۳۳۶۴/۲۴۰؛ ۸۱۷۹۰/۲۴۰؛ ۲۹۶۲۱۰۳۶/۲۹۱۴۴؛ ۹۹۹/۲۹۱۴۴
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۱۳۶؛ ۱۲۹۶؛ ۱۲۹۷؛ ۱۴۶۰؛ ۲۲۹۸؛ ۲۳۳۸؛ ۴۲۳۸
۴۶۷۷؛ ۷۸۶۵؛ ۸۲۳۸؛ ۹۱۸۰؛ ۱۰۸۲۴؛ ۱۴۱۷۷؛ ۳۳۱۷۲؛ ۳۸۲۹۲
مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتما): ق-۰-۰-۷-۰.

اسناد چاپ شده

اسناد نفت: *متن امتیازنامه موم و نفت طبیعی معدنی*. (بی تا). تهران: اداره مطبوعات و اطلاعات.

کتاب

آوری، پیترو. (۱۳۸۸). *تاریخ کمبریج: ایران دوره پهلوی*. (چ ۱). (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی.
ابطحی فروشانی، علی رضا. (۱۳۸۴). *نفت و بختیاری‌ها*. (چ ۱). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطه و دولت مدرن*. (چ ۱). تهران: تاریخ ایران.
جزایری، سید عبدالله. (۱۳۴۸). *تذکره شوستر*. (چ ۱). تهران: کتابخانه صدر.
حسینی فسایی، میرزا حسن. (۱۳۷۸). *فارس‌نامه ناصری*. (چ ۲). (چ ۲). (منصور رستگار فسایی، مصحح).
تهران: امیرکبیر.
خدادادیان، فرشید. (۱۳۸۹). *کاربردهای نفت و گاز در ایران باستان*. (چ ۱). تهران: روابط عمومی شرکت
ملی نفت ایران.
عباسی شهینی، دانش. (۱۳۷۴). *تاریخ مسجد سلیمان: از روزگار باستان تا امروز: تاریخ صنعت نفت ایران*.
(چ ۱). تهران: هیرمند.
عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران: عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق*. (چ ۱). (یعقوب آژند، مترجم).
تهران: گستره.
لایارد، سر اوستن هنری. (۱۳۶۷). *سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران*. (مهراب امینی، مترجم). تهران:
وحید.
یادداشت‌های سیاسی ایران ۱۲۶۰-۱۳۴۴. (۱۳۹۷). (ج ۴). (چ ۱). (رابرت مایکل بارل، ویراستار). (افشار
امیری، مترجم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مقاله

علوی، باقر. (۱۹۷۲). «بیوگرافی رینولدز نخستین کاشف نفت در ایران». *وحید*، شماره ۷، صص ۷۶۵-۷۷۹.



نشریه

مجله اقتصاد انرژی، شماره ۹۳، تیر ۱۳۸۶.
مشعل (نشریه وزارت نفت)، شماره ۷۷۲، ۱۰ بهمن ۱۳۹۴.

Resource English

Shahnavaz, shahbaz. (2005). *Britain and the opening up of south-west Persia 1880-1914: A Study in Imperialism and Economic Dependence*. Islamic Studies Series.
Iran: Political Diaries 1881-1965. (1997). (volumes: V3, V6). (R. Jarman; Advisor R. M. Burrell, Editors). Published: [Oxford?]: Archive Editions.

English Translation of References

Archival documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament): 136;1296; 1297; 1460; 2298; 4228; 4238; 4677; 7865; 8238; 9180; 10824; 14177; 33172; 38292.[Persian]

Mo'assese-ye Motāle'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (www.IIchs.org):-0-0-7-0.[Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran): 240/22364; 240/88790; 296/21036; 999/29144.[Persian]

Published documents

“*Asnād-e naft: Matn-e emtiāz-nāme-ye mum vanaft-e tabi'ee-ye ma'dani*” (Petroleum documents: The text of the concession contract for wax and natural mineral oil) (n. d.). Tehran: Edāre-ye Matbu'ātvaEttelā'āt (Press and Information Office). [Persian]

Books

Abbasi Shehni, Danesh. (1374/1995). “*Tārix-e MasjedSoleimān: Az ruzegār-e bāstān tā emruz: Tārix-e san'at-e naft-e Irān*” (A history of Masjid Sulayman) (1st ed.). Tehran: Hirmand.[Persian]



- Abtahi Foroushani, Alireza. (1384/2005). *“Naft va Baxtiyāri-hā”* (Oil and Bakhtiari) (1st ed.). Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt-e Tārix-e Mo’āser (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies). [Persian]
- Avery, Peter. (1392/2013). *“Tārix-e Kambrij: Irān dar dowre-ye Pahlavi”* (The Cambridge history of Iran) (1st ed.). Translated by Morteza Sagheb Far. Tehran: Jāmi. [Persian]
- Hosseini Fasaei, Mirza Hasan. (1378/1999). *“Fārs-nāme-ye Nāseri”* (Naseri’s Book on Fars) (vol. 2) (2nd ed.). Edited by Mansour Rastegar Fasaei. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Iran: Political Diaries 1881–1965*. (1997). (volumes: V3, V6). (R. Jarman; Advisor R. M. Burrell, Editors). Published: [Oxford?]: Archive Editions.
- Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). *“Tārix-e eqtesādi-ye Irān: Asr-e Qājār 1215-1332 AH”* (The economic history of Iran) (1st ed.). Translated by Yaghoob Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Jazayeri, Seyyed Abdollah. (1348/1969). *“Tazkere-ye Šuštar”* (Political and social history of shushtar) (1st ed.). Tehran: Ketābxāne-ye Sadr. [Persian]
- Khodadadian, Farshid. (1389/2010). *“Kārbord-hā-ye naft va gāz dar Irān-e bāstān”* (Application of oil and gas in ancient Iran) (1st ed.). Tehran: Ravābet-e ‘Omumi-ye Šerkat-e Melli-ye Naft-e Irān (National Iranian Oil Company, Pr). [Persian]
- Layard, Sir Austen Henry. (1367/1988). *“Safar-nāme-ye Lāyārd yā mājarā-hā-ye avvalieh dar Irān”* (Early adventures in Persia Susiana and Babylonia). Translated by Mehrab Amini. Tehran: Vahid. [Persian]
- Shahnava, shahbaz. (2005). *Britain and the opening up of south-west Persia 1880-1914: A study in imperialism and economic dependence*. Islamic Studies Series.
- Torabi Farsani, Soheila. (1384/2005). *“Tojjār, mašrutiat va dowlat-e modern”* (Merchants, constitutionalism and the modern state) (1st ed.). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]
- “Yāddāšt-hā-ye siāsi-ye Irān 1260-1344”* (Iran political diaries, 1881-1965) (vol. 4) (1st ed.). (1397/2018). Edited by Robert Michael Burrell. Translated by Afshar Amiri. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolution Document Center). [Persian]



Press

Majalle-ye Eqtesād-e Enerژی (Quarterly Energy Economic Review), issue number 93,
 1386, Tir / 2007, July.[Persian]

Maš'al (Našrie-ye Vezārat-e Naft) (Ministry of Petroleum Journal), issue number 772,
 Bahman 10, 1394 / January 30, 2016.[Persian]

۱۵۷۹۵

۱۳۰۰

نمبره کتاب اداره تلگرافی دولت علیه ایران سنه ۱۳۰۰

نمبره قبض	عددکات تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
۱۶۱۹	۱۳۶	۱۳۰۰	۱۰	لین

نمبره تلگراف ۱۳۰۰

نام مستخدم
 در واقع مستخدمین ایرانی را باقی نماند که در این
 باره از سرور مستخدمین با ملاحظاتی که در وقت سرور مستخدمین
 به بیست خورشید مراجع شود آن که کمپانی نفت خوب کمپانی
 حکم مهر ۱۳۰۰ از ایجاز نامه واری تمام کار کمپانی باه عایت ایران
 حالت شناخته شود سنا در سیرت و فعال در قبول نمک سرگودیه
 استیوارسول مذکور به از سالها لطفات و تمهید کرد و حضرت
 شکر تهنیت کلب خورشید بر همین دست شایسته

۱۳۰۰

تصویر سند شماره ۱



modele 16

۲۵
۲۲

لغو نمبر ۱۶
۴۷۷۷
۱۵۱۵۴

نمبر کتاب _____ اداره تلگرافی دولت علیہ ایران سنہ ۱۳۳۰


از ممبر	نمبره قبض	۷۲۷۸	عدد کلمات	۳۷۷	تاریخ اصل	۱۱	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
به طرف	نمبره تلگرافی	۱۴						۱۳ ارد	

کام منبع وزارت صلح کوفه کمر راست دارالحیوانی است که در تاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۱
گردد مرقوم فرستاده بود و آنجا که بر اثر استحقاق خودی که همانم وزارت صلح از اینهاغ ما موزع حال است
سالم و ام ما کورست خود را به استی بدتران و استه کمر تقسیم را در وزارت کمر فرستاده صلح ممالک خا را
بر است که صلح لغو نند و از صلح و استه در ممالک موزع است که در وزارت صلح کمر فرستاده صلح
بفراست و صلح ممالک از صلح موزع است و استه کمر تقسیم را در وزارت کمر فرستاده صلح ممالک خا را
استقبال کمر بر اولم بر است و استه کمر تقسیم را در وزارت کمر فرستاده صلح ممالک خا را
مینی بر صلح ممالک از صلح موزع است و استه کمر تقسیم را در وزارت کمر فرستاده صلح ممالک خا را
و صلح ممالک از صلح موزع است و استه کمر تقسیم را در وزارت کمر فرستاده صلح ممالک خا را
نمود که صلح ممالک از صلح موزع است و استه کمر تقسیم را در وزارت کمر فرستاده صلح ممالک خا را
و صلح ممالک از صلح موزع است و استه کمر تقسیم را در وزارت کمر فرستاده صلح ممالک خا را

۷۳

تصویر سند شماره ۲



 اداره تشریح دولت علیه ایران				
از تاریخ به ...				
صفحه				
نمبره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب		اطلاعات
۳	(۲۱)	روز ۳	ساعت	دقیقه
<p> توسط آقایان و کلد زکائی محمد حسن و عثمان محمد رفیعی در مجلس تدوین برای مع دوست تا ۱۰ آبان ۱۳۲۸ در روز یکشنبه حضرت سعادت عظیم قسیر الهاد در کتبه از قبضه خویش محو کرده اند در این بسمین لوط در روزی نوزدهم آبان مع حضرت رفیعی بدینسان مع این کتبه که با شایسته بر روی لوح در روزی ۳۰ آبان ۱۳۲۸ تا ۳۰ آبان ۱۳۲۸ در روزی ۳۰ آبان ۱۳۲۸ و بعد از آن لوط حضرت است بر حسب شمری بر وجه یادیه که کتبه بدینسان مع و کلمات در آن و بعد از آن در روزی ۳۰ آبان بنی نوزدهم از واحدی در جلاد آراستان مع شایسته الهاد در دست و بخرم دگر عوینان ابوخرم موسی اسم موسوی </p> <p style="text-align: right;"> محمد علی از موسوی محمد فرخ مولد ابوالفتح </p>				
تاریخ ...				
ساعت ... دقیقه ... ثانیه ...				
۱۳۲۸				

تصویر سند شماره ۳



۱۳۶۰
 ۴۱/۴۰

طهران ۱۳۶۰
 توسط حضرت آقا محمد تقی امام دولت نامیده محرم ۱۳۶۰
 بمجلس تعین دار شورای معنیہ النوا

این طرز تدبیر و تداع دولت با عدل و خدمت گزاریت و ملت با نهایت جدیت
 از نظر محترم دار شورای معنیہ و منتسبین با کسر سابقه بقرائت مجاز انبار انوار و
 این سادات مجاهدین را از این جهت فرام آورده و احتیاج چنین گویا بنویسد
 بزمینة الاحقاف تمام خادم خدا و سرخ الاظهر محمد باقر مسقط محمد السلام
 حاج شیخ حسن کوشکی قدس

مدحنامه بدید و قوتها نصیب بیسید بسوزد و لایحی که در طرف سعادت لفظ خوب واقع است چند فرمای

باجلک ملکیت تا به بران شرح و تصرف و وسیله معاش دعا که بران جانبی از سادات و قربانان و برادران
 و لذت از فراین و قیام و حیات و اسناد و احکام علی و مشهور و تصرف نسبت تاریخ (سند) که در تاریخ است

ارادہ السید عبدالمہدی سید فواد الدین اینجانب سید نعمت امیر الخیرانی از قرنی که در سلسلہ تالیف شد و کتاب سید نعمت ام
 تالیف بر سید عبدالمحیط خان قرنی بر این سلسلہ بهترین شاعر و گوایه است که در زمان سلطان صفوی در کابل
 یکا بید و نسک المیتر در ملک داغیان و افسر ششگانه زراعت داشته یعنی مالک از زمین در ریافت کرده و
 ادعای بر اراضی مذکور کرده است - بجز و اینجانب امیر عدالت فرجام نه خواهم عدل و قیام در ملک ایران
 و دستور نظام حیات اجتماع ملت بر اساس مقدس و شایسته بود و صحیح شریعت بر پایه تخواهین مجتهدین در مورد
 های ملت بین نمند با وجود آنکه کارهای اراضی مذکورہ مستحقین از اساتذہ در این موقع بدین طرح آنان
 بخش آورده عدل و انصاف و حق را بیست سرانجام لایحی مذکور را با اسحاق بر چه لفظ تعظیم
 اجازه داده و بیانی با ستیجا راز اضی را تصرف و عمارت و خاکین دران بنا بنیاسیده لخواه از ان
 ذوات محترم مقدرش نه عمده دار و مسئول علیه حقوق ملت ایران و طرف دار شریعت و قانون است
 بیستد لغضای خود که محض انجام وظیفه و حفظ حقوق ضعیفان و بیچارگان از نظر اول و بعد
 اوقیای و مستقرین بنبیلام فرموده احقاق حقوق اینجانب است نظرم نمایند که اساتذہ
 با بیچارگان فرام آورده در نظر عدالت مجلس دارالشریعت با بنجام و نظافت و کار و شکر تسبیح است
 تاریخ ۱۳۶۰ شوال ۱۳۶۰

تصویر سند شماره ۴